

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۵ دسمبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

آشنا

آه!

خسته از تکرار واژه های عشق و عاطفه هستم؛

انگار زبان من غریبترین لسانی ست، که هرگز کسی به حروف و هجاهایش آشنا نیست!!!

بازار صبر

شمع امیدها می سوزد؛ شاخه گل عشق میان گلدان عاطفه پرپر می شود؛ قطره اشک

جرمان روی خوان رخسارم در تردید ریختن است؛ قلبی از بیم بیکی می تپد؛ گلویی با

شگفتن بغض تلخی در جدال است؛ پاهائی یارای ایستادن ندارد؛

چه گونه می توان برای خرید سنگ به بازار صبر رفت؟؟؟

سرزمین واژه ها

دیری ست برایت نسرودم، بیگمان فکر کردی فراموشت کردم. ندانسته بودی، که در

سرزمین پراز دحام واژه ها، کوچیده بودم؟

تا شاید پربهاترین و زیباترین هدیه را برایت برگزینم.

دریغا! باز دست خالی برگشتم.

(ناهید "غزل" غنی زاده)